

پیش از آنها و نسل پیش از ما نیز تمام این مراحل را طی کرده‌اند و برای رسیدن به آن مطلوب به نوعی آلوده این کار شده‌اند.

فردین رحمانپور، بازیگر:

امین سعدی مرا کوبید و از نو ساخت

تئاتر و اساسا بازیگری برای شما چگونه آغاز شده است؟

من چه در زمان مدرسه و چه پس از آن و با گروه‌هایی که خیلی حرفه‌ای نبودند کارم را شروع کردم. اما مسیر حرفه‌ای من از اواخر سال ۹۶ با شرکت در یک دوره بازیگری و حضور در کلاس خانم شبین قلی‌خانی آغاز شد. ایشان به من پیشنهاد داد که در دوره بعدیشان که از ایده تا اجرا بود شرکت کنم و به این ترتیب اولین باری که به صورت حرفه‌ای روی صحنه پا گذاشتم با نمایش «تنها راه ممکن» متنی از محمد یعقوبی و به کارگردانی شبین قلی‌خانی بود و خوشبختانه چون اجرای عموم بود کارگردان‌های مختلف و بازیگران میامدند و کار را می‌دیدند و از همان جا به پروژه‌های دیگر معرفی شدم.

در این نمایش با یک گرم سنگین و دیالوگ‌هایی پیچیده احساسات متناقضی را به نمایش می‌گذارید از چالش‌های این کار بگوئید.

تئاتر هر چقدر که شیرین است همان قدر هم می‌تواند بی‌رحم باشد و در هر شرایطی که باشی باید در آن ساعت و لحظه پا روی صحنه بگذارید و نقش خود را ایفا کنید و این همه چیز را می‌تواند کمی پیچیده کند. من هم پیش از این، تجربه بازی در یک اثر پست مدرن را نداشتم و بیشتر در آثار رئال اجتماعی و رئال کمدی حضور داشتم بنابراین فیلم کاری و سبک بازی من در این تئاتر کاملاً عوض شد و این گرم، دیالوگ‌ها و فضا برایم بسیار جذاب است البته نگرانی‌هاییم در این مورد داشتم اما وقتی دوستانم و کسانی که بی‌تعارف مرا نقد می‌کنند به دیدن کار آمدند و متوجه شدم که بر اساس جنس صداسازی که کرده بودم و گرم متفاوتی که روی صورت‌تم بود در طول نمایش همچنان منتظر آمدن من به روی صحنه بودند و فکر نمی‌کردند که من همان بازیگری هستم که روی صحنه است و این برای من خیلی شیرین و جذاب بود.

روایت غیر خطی است و بیش از حفظ تداوم حس، شاهد

یک دیزالو میان احساسات گاه متناقض هستیم.

در طول تمرینات این کار، ما به صورت صحنه به صحنه تمرین می‌کردیم و در برخی از صحنه‌ها دو شکل حسسی مختلف را ایفا می‌کردم. شکستن این پاساژهای حسسی خیلی دشوار است و اگر درست در نیاید مخاطب اثر را پس می‌زند و متوجه می‌شود که بازیگر دارد زور می‌زند تا احساسی را در او برانگیزد و برای من هم به شدت سخت بود. یعنی حفظ کردن متن و تمام آن اکت‌های بدنی و تمریناتش به کنار اما درست و تمیز در آمدن احساساتی که پشت دیالوگ‌هاست برای من چیز دیگری بود و چون جداگانه صحنه‌ها را کار می‌کردیم من سعی می‌کردم آن حس را به ذهنم بسپارم و پیش از آنکه به آن لحظه برسیم ذهنم به من تلنگر می‌زد که آماده باش و چند لحظه دیگر باید چنین احساسی را انتقال بدهی و این به صورت ناخودآگاه در ذهنم ایجاد شده و گویی همه شرایط را برایم فراهم می‌کند.

به نظر می‌آید که در روند تمرینات ذهن‌تان شرطی شده

باشد!

بله چون تمرین‌ها هم فشرده بود هم طولانی مدت و هم اینکه امین سعدی روی تمام حرکات حتی ایستایی من روی صحنه تمرکز زیادی داشت شاید ما بالای ۱۰ جلسه فقط بابت ایستایی من روی صحنه کار کردیم و از آنجایی که من قبلاً در این فضا کار نکرده بودم به نظرم امین سعدی مرا کوبید و از نو ساخت و درست مثل یک خمیر با من بازی می‌کرد. از اونجایی که من به امین سعدی اعتماد دارم و می‌دانم که در این سبک خوب پیش می‌رود می‌توانستم خود را به راحتی به او بسپارم.

سخن پایانی

اجازه بدهید با بخشی از دیالوگ‌های کار این مصاحبه را به اتمام برسانیم
من ریشه‌هایم اینجاست/ من خانواده‌ام اینجا هستند/ من همه فلزهای سنگین اینجا را مک زدم. رگام پر از جیوه‌ست/ مخم پر از سر به/ توستاهی برق می‌زنم
من اینجا بزرگ شدم/ من عشق رو اینجا تجربه کردم/ رو صندلی‌های جر خورده اسقاطی/ تو قبرستون ماشینا من از اینجا هیچ جانمیرم.



در کشتار گاه!

و تئاتر این را درک کرده‌ام که چگونه باید به درامی که می‌خواهم برسم.

خالق هر اثر هنری دوست دارد اثرش بیش از همه چیز دیده شود اما در عین حال موسیقی باید در خدمت کار باشد و فراتر نرود. این دوگانگی برای یک آهنگساز چگونه فرجام می‌یابد؟

خب من کلاً دوست ندارم که فوکوس بکشم و در خدمت کار بودن برایم جذاب‌تر است. بنابراین کل عناصری که در یک تئاتر استفاده می‌شود مثل نور، گرم، لباس، موسیقی و هر چیز دیگری به نظرم باید به گونه‌ای در هم تنیده شده و به هارمونی برسند که هیچ کدام از آنها برجسته‌تر از دیگری نباشد و مخاطب زمانی که با اثر روبرو می‌شود نتواند به صورت تفکیک شده به آنها توجه کند. بلکه همه این عناصر باید آنقدر به خورد هم رفته باشند که به صورت یکپارچه در برابر مخاطب قرار بگیرد و فکر می‌کنم دوره فوکوس کشیدن تمام شده است و همه عوامل باید در خدمت کار باشند چرا که کار گروهی است و باید به صورت گروهی دیده شود. خوشبختانه باز خورد‌هایی هم که برای کار منگی گرفتیم به این شکل بوده که مخاطب از همه بخش‌ها و عوامل موثر در این نمایش راضی بوده.

سخن پایانی

سال‌هاست که من در عرصه تئاتر فعالیت می‌کنم و به قولی خاک خوری کرده‌ام. من دغدغه این کار را داشتم، آلوده‌اش شدم و دوست داشتم با موسیقی که می‌سازم به مخاطب خط داستانی بدهم و با موسیقی‌ام حرف بزنم و این برایم بسیار جذاب است. نسل جدید هم خیلی خوب کار می‌کند اما یک سری از آنها کمی عجول هستند و دوست دارند خیلی زود آن اتفاق نهایی برایشان بیفتد. اما وقتی آن اتفاق زودتر از موعد بیفتد زود هم از دست خواهد رفت با نگاهی به پیشکسوتانمان در این عرصه می‌بینیم که هر که زحمتش را کشیده ماندگار هم بوده است اما بخشی از این نسل جدید دوست دارد که یک شبه این مسیر برایش باز شود برای همین دوست دارم بدانند که نسل

سایه‌ها و فضای شرقی و همین وجه را در موسیقی هم دنبال می‌کنم بدین ترتیب شما در صحنه کشتار گاه در یک لحظه صدای ترومپت تعزیه را می‌شنوید این صداها، نواها و موسیقی با پوست و گوشت و خون انسان شرقی لمس شده و در آمیخته بنابراین من سعی می‌کنم که این فضاها را از طریق کاربرد همان المان‌ها برای مخاطب ایرانی بیشتر ملموس کنم.

سخن پایانی

خیلی دوست دارم که از تمام اعضای گروه‌م بخصوص تهیه‌کننده کار خانم سمیه پناهی که پشت‌مان بودند و اعتماد کردند تشکر کنم. از بازیگرانی که واقعاً زحمت کشیدن و امیدوارم اتفاقات خوبی برایشان بیفتد. از آهنگساز، طراح گرم، طراح لباس، طراح دکور طراح نور کارم تشکر می‌کنم که هر جا می‌روم با من می‌آیند و همیشه به کار چیزی می‌افزایند که ورای خلاقیت من است. همینطور از تیم کارگردانی‌ام ممنونم که مرا همراهی کردند.

بهزاد بختیاری، آهنگساز:

دوست دارم با موسیقی‌ام حرف بزنم

برای موسیقی این نمایش از چه سازهایی استفاده شد؟

در همکاری‌هایم با امین سعدی از تم شرقی غربی استفاده می‌کنم تا بتوانیم از طریق موسیقی فضایی لازممان و لامکان به مخاطبمان ارائه دهیم. بنابراین من در جاهایی از ساز کمانچه استفاده می‌کنم ولی شنونده ممکن است اصلاً متوجه نشود که آن ساز کمانچه است و در بخشی از نمایش موسیقی تعزیه را با موسیقی کانتولیک و... ترکیب کرده‌ام و صحنه کشتار گاه را نشان می‌دهم. مشورت‌هایی با خود آقای سعدی در زمینه موسیقی داشتیم و من تکه تکه کار را تنظیم می‌کردم و برایشان می‌فرستادم. از آنجایی که همیشه دغدغه خودم موسیقی دراماتیک بوده، تحصیلاتم در زمینه تئاتر است و کارم آهنگسازی فیلم